

اخوالفضایل وام المکارمی و ز تو روان بوالفرج و ابن خلکان خرسند
 زمانه فرصت این حرفها بما ندهد غمین مباش اگر نیستی بجان خرسند
 بهر که در نگری چون من و تو دولتک است کمان مبر که بود کس در این جهان خرسند
 اگر ز در ددل بنده دل بنده باخبر باشی شوی ز در ددل خویش بیکمان خرسند
 من از روان خود از زردام ولی مردم از اینکه هست فلان شعر من روان خرسند
 چنانکه در غم جان کندست مرد صلیب بنظره جمعی در پای داران خرسند
 تمام بپنراتند خلق دوره ما چسان شود و هنر و در این میان خرسند
 ز رنج اهل دل ارباب ملک خرسندند چنانکه راهزن از ضعف کاروان خرسند
 من از ملول که شتم از این جهان سهل است بجای بنده بماتند دوستان خرسند
 (جلال الممالک)

استقلال امریکا

مقصود ما از امریکا در این موقع عالم است جمهوری ولایات متحدہ
 است کہ بر حسب مساحت ۳،۵۶۷،۰۰۰ میل مربع و عدد ساکنین
 آن بالغ به هشتاد میلیون نفوس میباشد و انتفا میشود در بحث از
 استقلال انجا بذکر اسباب و علی که ملت امریکا برای وصول
 باستقلال و سیادت خود مهیا نمودند تا برای ما و سایر مللی که
 مایل باستقلال و ترقی و سیادت هستند درس عبرتی بوده باشد لکن
 مقدمتاً مختصری از کیفیت دخول امریکا در بدو امر در حوزه
 سلطنت انگلیس و سپس اسبایکه باعث بر نهضت انجا شده با

و سائیکه مساعدت نمود امریکا راه در وصول به استقلال خواهم نکاشت - چگونه داخل شد امریکا در حوزه سلطنت انگلیس؟ بعد از آنکه در اواخر قرن پانزدهم امریکا کشف شد سبقت نمودند اهالی اروپا بر یکدیگر در توطئه انجا برای تجارت و استفاده از منافع ارضیه و استخراج معادن آن قطعه زمین بکسر و مهاجرت بان قطعه در بدو امر هیچ قانون یا رابطه نداشت لهذا مهاجرین بان صوب در ابتدا با یکدیگر رقابت و محاصمه نورزیده و اتفاقاً عده مهاجرین انگلیس در اواسط امریکای شمالی زیاد تر از سایرین بودند و سکنه انجا در آن موقع از جنس هنودی بودند که هیچ تمدن نداشتند بلکه ابداً شهری نبوده و از وضعیت حضارت بی بهره و نصیب بودند و در اوائل قرن ۱۶ جیمس اول پادشاه انگلستان فرمانی داد به بعضی رعایا و اتباع خود که مالک شوند قطعه زمین واقعه بین دو کوه ^{سنت کاترین و سنت ماری} و از عرض شمالی را - و چون مشی انگلیس همیشه در تطرف ^{ممالک} ممالک وحشیه بر این است که بوسیله تجارت و تاسیس بانک و شرکت مستعمراتی از برای خود تهیه میناید لهذا در امریکا دو شرکت تاسیس نمود یکی موسوم بشرکت لندن و دیگری موسوم بشرکت بلیموث و شرکت لندن دست خود را با امریکای جنوبی نهاد و شرکت بلیموث تقوذ خود را بقطعه شمالی اعمال داشت و از برای هر کدام از این دو شرکت مجلسی در لندن تشکیل شد که نظارت در دو شرکت داشته دستورات

لازمه و تعایجات مهمه بحال و کار کنان خود میدادند و در اوائل امر بحال و کار کنان دو شرکت بواسطه غربت و عدم مساعدت آب و هوای امریکا با مزاج آنها و کثرت امراض قحط و وحشت در المر و سختی بودند بحدیکه شکایت بردند بدو مجلس لندن و تقاضای مراجعت بوطن خود را نمودند و از مجلس لندن باها دستور بصبر و تحمل داده میشد و آنها نیز اطاعت کرده صبر و تحمل را پیشه خود قرار داده و اهتمام در تقو و ذکومت انکلیس در آن سر زمین نموده تا در سنه ۱۶۳۵ اقتدار و تقو و ذکومت خود را بدرجه رسانیدند که در خونشان و مقام یک حکومت قادره در استعمرات رسمیه میباشد.

و نیز از اسپانیول جماعتی مهاجرت کرده و در جنوب املاک مستعمره انکلیس در پرتغال و مکزیک و توطن را اختیار نمودند و از فرانسه هم عده زیادی در شمال املاک انکلیسها سکونی کرده بودند پس انکلیسها خود را در میان دور قیب یعنی اسپانیول در طرف جنوب و فرانسه از طرف شمال مشاهده کرده بوحشت افنادند از اینکه دور قیب مزبور طمعاً با املاک و قاطیکه بدست آورده اند بنمایند چه آنکه قاطیکه انکلیسها توطن نموده بودند و بنای شهر و عمارت گذارده بهترین قاط بود از حیث آب و هوا و سبزی و صفا و مقتضی بود که مورد توجه و رقابت و محاصره رقبا واقع شود لهذا از خوف رقابت فرانسه و اسپانیول سرأ در مقام

تپه قوای دفاعیه بر آمده و مستعد بدفاع از رقبای خود شدند. از هاند هم جماعتی مهاجرت کرده و به امریکا شتافته در مکانی که فعلاً شهر نیویورک میباشد اقامت نموده بنای شهر و تجارت گذارده و انجارا موسوم نمودند به (نیوامستردام) یعنی امستردام جدید و شرکتی تاسیس کردند موسوم بشرکت هلند شرقی و تمام نقاطیکه در تحت نفوذ و تعمیر آنها بود موسوم نموده بودند به هلند جدید و همچنین سویدیهام در نزدیکی نهر دلاوار در اراضی هلندیها بنای مداخلات گذارده و خواستند انجا را تصرف کنند لکن مقام سویدیهام در انجا ثابت و باقی ماند .

اما انگلیس مستولی شد بر بهترین قسمتی از این غنیمت و روز بروز بر توسعه دائره حکومت و اقتدار و نفوذ خود افزود و ضمناً قوای خود را برای مدافعه از هلندیها تکمیل کرد و بنای دشمنی و محاصره را با هلندیها گذارده تا اینکه در سنه ۱۶۶۴ بین او و هلندیها جنگ شروع شد و *و عاقبتك غلبه نمود* انگلیس بر هلندیها و املاك و شهر هائیکه هلندیها در انجا داشتند تصرف کرد و پادشاه انگلستان ان اراضی و شهر هائی را که از دست هلندیها گرفته شده بود واگذار نمود به برادر خود دوک یورک و اسم شهر نیوامستردام را تبدیل نمود به (نیویورک) بنام برادر خود و فعلاً هم بهمین اسم باقی است پس ان قاطعه که در تصرف انگلیسها در آمد روبرقی گذارد و انگلیسها هجوم آوردند بمهاجرت و توطن

در انجا و در اواسط قرن ۱۷ بنا کردند شهرها و قصبه ها
هائی و هر کدام را موسوم نمودند بنام یکنفر از رجال خود
مثل (پنسیلوانی) و (نیوژرزی) و (ماریلاند - کارولین - ژورژی -
ویرجینی و غیر ذلک .

و تا آن موقع انگلیس قانونی از قوانین استعماری برای
امریکا وضع نکرده بود که بوسیله قانون رفع اختلاف و نزاع
از رعایای انجا بشود و صاحبان املاک هم در انجا طبقات مختلفه
بودند که ترتیب استملاک هر طبقه فرق داشت با طبقه دیگر
چنانکه بعضی بسبب حيازت و احیاء اراضی و بنای عمارت مالک
املاکی شده بعضی بواسطه امر و فرمان یا هبه و بخشش پادشاه
انگلستان دارای املاک و مستغلات گردیده بودند لهذا متدرجاً اینها
تولید مخاصمه و نزاع شد و در نتیجه این مخاصمه و نزاع تمام
املاک در حوزه حکومت در آن وقت بطوریکه از طرف دولت
انگلیس در هر موقعی یکنفر بعنوان حکومت برای آن املاک
منتخب و معین میشد .

و از برای هر ولایتی امتیازاتی بود که مخالف بود با ولایت
دیگر و مختلف بود طرز حکومت هر ولایتی نسبت بولایت دیگر
و طبعاً روابط حکومت هر جائی با حکومت مرکزیه باختلاف بود
که تفصیل و شرح آن در این مقدمه کنجایش ندارد و موجب
تطویل کلام و خارج از موضوع بحث ما میباشد - و نیز اختلافات

مذهبی هم در میان اهالی پیدا شده بود و دیانت مسیحی بر سایر دیانات غلبه و ترجیح پیدا میکرد زیرا که مذهب رسمی حکومت که صاحب سیادت و اقتدار بود شناخته شده بود و همچنین ساکنین آنجا که مخلوط بودند از هنود امریکائی و امم اروپا که عبارت از آلمانی و فرانسوی و هلندی و غیره باشد هر کدام بزبان و لغت خود تکلم میکردند لکن متدرجاً زبان انگلیس بر سایر زبانها غلبه نمود چه آنکه زبان انگلیس زبان رسمی حکومت بود و حکومت در ترویج و انتشار زبان رسمی خود جد و آفای داشت تا آنکه اهالی و ساکنین ژورژی و ماساموسس و غیره تماماً تکلم میکردند بزبان رسمی حکومت و اعتراف داشتند بیگ دولت واحد رسمی که دولت انگلیس باشد بقیه دارد -

مترجم (سید حسن قمیسه)

آثار انجمن ادبی ایران

خطابه ذیل را دو گذشته نزدیک قاضی خبیر و ادیبی نحریر اقای دکتر ولی الله خان رئیس کل معارف ایران و عضو محترم انجمن ادبی در انجمن ادبی قرائت فرمودند و برای اینکه قارئین ارمغان در استفاده با اعضای انجمن شرکت کنند اینک زیب صفحات ارمغان میگردد .

وطن و بشریت

بعضی را عقیده اینست که حب وطن و حب بشریت متضاد